

# مراسم عروسی در مهاباد<sup>۱</sup>

نویسنده: دکتر عبدالکریم ایوبی  
مترجم: احمد شریفی

## چکیده

در هر یک از نقاط کشور آیین ازدواج، راه و رسم خاص خود را دارد. در گذشته میان کردهای مهاباد، به دلیل شرایط جغرافیایی و طبیعی کردستان و احتیاج مبرم به وجود زن خانه‌دار، ازدواج‌ها در سنین پایین‌تر صورت می‌گرفت. آمار ازدواج در کردستان بیشتر از سایر مناطق بود و کمتر زن بیوه‌ای دیده می‌شد. در این مقاله، مراسم اصیل عروسی کردی، از راه و رسم انتخاب عروس تا مراسم سه‌روزانه عروسی توسط نویسنده توصیف شده است.

**کلیدواژه‌ها:** روشینی زماوند، خوازبینی، عروسی، شایی، مهاباد

۱. این مطلب ترجمه بخشی از کتاب دیالکتیک لهجه مکری نوشته پرفسور دکتر عبدالکریم ایوبی است که در سال ۱۹۶۸ در لنینگراد چاپ شده است. مرحوم دکتر عبدالکریم ایوبی در سال ۱۳۰۳ در مهاباد متولد شد. مراسم عروسی در مهاباد از کتاب دیالکتیک لهجه مکری ایشان که به زبان روسی است ترجمه شده است. مراسم ذکر شده در کتاب مربوط به سال‌های ۲۰-۱۳۱۰ منطقه مهاباد است که اکنون به صورت افسانه درآمده و دیگر از چنان آداب و سنتی نمی‌توان اثری به دست آورد. گفتنی است که دکتر ایوبی در سال ۱۳۷۴ به سرای باقی شتافت و بنابر وصیتش او را در گورستان بلاق سلطان مهاباد و در قطعه شعرا و نویسندگان به خاک سپردند. این متن توسط آقای احمد شریفی پژوهشگر فرهنگ عامه ترجمه و تنظیم شده است.

## مقدمه

در میان کردها، بخصوص کردهای مهاباد، راه و رسم ازدواج و عروسی، آداب و سنن ویژه‌ای دارد که با مراسم عروسی سایر اقوام و طوایف و تیره‌های نژادی خاور نزدیک اختلاف فاحشی دارد. این راه و رسم ازدواج عبارت از یک سلسله مراسم، تدارک‌ها و آمادگی‌های قبل از عروسی است که در کردستان و دیگر سرزمین‌های کردنشین مشاهده می‌شود.

به علت شرایط و موقعیت جغرافیایی و طبیعی کردستان، اغلب دختران در سن ۱۶ سالگی و پسران در سن ۱۸ سالگی ازدواج می‌کنند اما گاه دختر یا پسر در سن ۱۳ سالگی نیز ازدواج کرده‌اند.

در مناطق کردنشین به علت احتیاج مبرم به وجود زن خانه‌دار ازدواج‌ها زودتر و بیشتر صورت می‌گیرد و به همین دلیل نیز در کردستان نسبت به سایر مناطق، کمتر زن بیوه‌ای دیده می‌شود و اگر هم یافت شود زنان مسنی هستند که قدرت و توانایی کار و زیبایی خود را از دست داده‌اند و خواستگاری ندارند.

مراسم عروسی در مهاباد که ذیلاً شرح داده می‌شود، مراسم اصیل عروسی کردی است که از نیاکان و گذشتگان به ما رسیده است. متأسفانه بر اثر مرور زمان و نفوذ فرهنگ‌ها و آداب و رسوم ملت‌های هم‌جوار، این مراسم تا حدودی اصالت خود را از دست داده است.

### راه و رسم انتخاب عروس (روشینی زماوند rowšiani zema vand)

معمولاً پدر و مادر، بویژه مادر در مکان‌های عمومی برای پسرشان دختر انتخاب می‌کردند. مادر پسر در حمام، عروسی‌ها، مجالس سوگواری یا مراسم رخت‌شویی در رودخانه یا اماکنی که غالباً زنان و دختران در آنجا جمع می‌شدند، دختری را برای پسرشان در نظر می‌گرفتند و در مورد زیبایی و حسن و محسنات او پیش پسرشان صحبت می‌کردند.

دخترها و پسرها در روزهایی که تعطیل عمومی بود یا در مراسم عید و عروسی‌ها

که در شهر برگزار می‌شد همدیگر را می‌دیدند و خود را به یکدیگر معرفی می‌کردند و شروع به گفتگو با یکدیگر می‌نمودند. البته اغلب اوقات دختر و پسر همدیگر را نمی‌دیدند یا با هم آشنایی قبلی نداشتند و والدین آنان بنا به مقتضیات و منافع خود آنها را به عقد یکدیگر درمی‌آوردند و مسئله عشق و محبت طرفین را زیر پا می‌گذاشتند.

### خواستگاری (خوازبینی xowâzbini)

زمانی که پسر و دختر همدیگر را دیدند و به هم علاقه پیدا کردند، والدین پسر یا یکی از نزدیکان برای خواستگاری پیش پدر و مادر دختر می‌رود. در این مرحله از خواستگاری، تمام قول و قرارها، به اطلاع والدین دختر می‌رسد تا کار عروسی محکم و یکسره شود. برای این منظور خانواده داماد چند دست لباس، مقداری طلا (انگشتر، گوشواره و ..)، مقداری برنج و روغن و چند کیسه حنا و دیگر وسایل ضروری برای عروسی را به منزل عروس می‌فرستند.

### عقدکنان (مار کردن mâra kardan)

مراسم عقدکنان به عنوان یکی از ضروریات دینی انجام می‌گیرد، بعد از اینکه طرفین (خانواده عروس و داماد) قول و قرارهایشان را از جمله مخارج مراسم عروسی و لباس و نامزدی قطعی کردند، مراسم عقدکنان تعیین و شروع می‌شود. به این ترتیب که خانواده، عده‌ای از مردان را برای این مراسم دعوت می‌نمایند و همین که مدعوین در خانه داماد جمع شدند، به اتفاق روحانی (ملا) جهت انجام عقد به خانه عروس می‌روند و پس از پذیرایی، روحانی یک نفر را از میان جمع به عنوان شاهد پیش عروس می‌فرستد تا رضایت او را در مورد عقد و نکاح جلب کند. بعد از گرفتن رضایت از عروس، شاهد به مجلس برگشته و رضایت او را اعلام می‌کند. روحانی در مورد مهریه از پدر عروس سؤال می‌کند اگر مهریه عروس مناسب و در خور قدرت و توانایی داماد و خانواده‌اش باشد بلافاصله خطبه عقد خوانده می‌شود و مراسم پایان می‌یابد. در غیراین صورت، سعی می‌کنند به هر ترتیبی که شده مهریه را به حد مناسب که داماد توانایی آن را داشته باشد برسانند و بعد از توافق طرفین،

روحانی شروع به قرائت چند سوره از قرآن می‌کند و سپس خطبه عقد را جاری می‌نماید و آن دو را از نظر شرعی حلال هم می‌کند و به آنان تبریک و تهنیت می‌گوید و زندگی پر سعادت را برای آنان از خدا می‌خواهد.

گاهی به علت مهریه کمرشکن و فوق‌العاده زیاد (که اخیراً در مهاباد متداول شده است) مرد نمی‌تواند همسرش را طلاق دهد و اگر احیاناً با هم عدم توافق اخلاقی یا تضاد فکری داشته باشند، مجبورند از طلاق چشم‌پوشی نموده و خود را با شرایط موجود که زجرآور و کشنده نیز باشد، سازش دهند. خوشبختانه در کردستان، مردان کمتر همسران خود را طلاق می‌دهند، چون زنان کرد اغلب کم‌توقع هستند و با هر نوع شرایطی زندگی می‌کنند و در غم و شادی، اندوه و الم، فقر و ثروت، شریک و دوست صمیمی همسران خود می‌باشند.

در کردستان، خصوصاً در شهرستان‌ها، کمتر دیده می‌شود که مردی دو زن داشته باشد اما بالعکس اغلب در روستاها مشاهده می‌گردد که مردی دو زن دارد، دلیل آن هم این است که چون غالباً زنان روستایی برای اینکه در کار و امور خانهداری، کشاورزی، دامداری و امور دیگر روستایی راحتتر باشند، شوهران خود را مجبور می‌کنند تا زن دیگری بگیرند تا به این وسیله یار و یاور آنها در کارها باشند. چون در کردستان به خصوص روستاها از نیروی زن در کارهای تولیدی استفاده می‌شود به همین علت کمتر زن پیشوهر در میان کردها دیده می‌شود.

### مراسم نامزدی (روشیننی دزگیران rowširani dazgirân)

وقتی که والدین دختر موافقت خود را با ازدواج دخترشان با پسر مورد نظر اعلام کردند روزی را تعیین میکنند و در آن روز تنی چند از زنان همراه مادر و خواهر و خویشاوندان نزدیک پسر به خانه عروس می‌روند. خانواده و خویشاوندان دختر (عروس) از آنها استقبال میکنند.

وقتی مهمان‌ها وارد خانه عروس شدند، مادر، خواهر و عمه پسر، عروس خود را می‌بوسند و پس از پذیرایی، طلا و جواهراتی را که قرار بود برایش تهیه کنند را به عروس می‌دهند و بار دیگر عروس را می‌بوسند و به نمایندگی داماد به او تبریک و تهنیت می‌گویند و بدینسان از آن تاریخ به بعد دختر رسماً عروس آن خانواده می‌شود و

آن خانواده نیز او را به عنوان عروس قبول میکند. بعد از این مراسم تمام مهمانان زن، عروس را میبوسند و زندگی جدید را به او تبریک می‌گویند و سعادت و خوشبختی را برایش آرزو می‌کنند. پس از این مراسم، مهمان‌ها به اتاق پذیرایی می‌روند و قبل از هر عملی شربت و قندآب می‌نوشند و خانواده عروس روی مجمعه‌های بزرگ (سینه‌های بزرگ) انواع و اقسام خوردنی می‌آورند و مجدداً از آنان پذیرایی می‌شود و ضمن صرف چایی، میوه و شیرینی روز انتخاب و خرید لباس را تعیین و مشخص می‌کنند. در روز خرید لباس عروس نیز خانواده‌های عروس و داماد، هر کدام عده‌های از خویشاوندان و نزدیکان را دعوت می‌کنند تا در مراسم انتخاب بهترین و زیباترین پارچه‌ها با آنان مشورت کنند.

### انتخاب لباس و شیرینی خوردن (حل گرتنی جل بک hal gerteni jel bok)

مادر عروس و داماد، هر کدام به سهم خود برای روز خرید و انتخاب لباس و شیرینی خوردن، گروهی از دوستان و نزدیکان خود را جداگانه دعوت می‌کنند. کسانی که از طرف خانواده داماد دعوت شده‌اند در خانه داماد و کسانی که از سوی خانواده عروس دعوت شده‌اند در خانه عروس جمع می‌شوند. ( این مراسم معمولاً بعد از ناهار برگزار میشود) مدعوین خانواده داماد، پس از صرف چای و شیرینی با مقداری شیرینی و چند طاقه پارچه و چند جفت کفش به منزل عروس می‌روند. نوازندگان و خنیاگران، با نوای گرم و دلنشین و آوازهای کُردی و محلی مدعوین را سرگرم می‌کنند و مادر عروس و داماد نیز مشترکاً پارچه‌های مخصوص عروس را انتخاب می‌کنند. بزاز محل که به همراه نمونه‌هایی از پارچه‌های رنگین و الوان در مجلس حاضر است، نمونه‌های پسند شده را متر می‌کند و به عروس و داماد تبریک می‌گوید و برای آنان سعادت و شادکامی آرزو میکند. پس از این مراسم چندین متر پارچه پیراهنی ارزان قیمت نیز برای کلفت، دایه، نانپز و سایر کارگران زن خانواده‌های عروس و داماد خریداری می‌شود.

همچنین پارچه پیراهنی و کھوا (keva) که نوعی کت کوتاه زنانه است و روی پیراهن می‌پوشند از طرف خانواده داماد برای مادر عروس، خواهر، عمه، خاله و نزدیکان

عروس به عنوان هدیه یا خلعت (خهلات *xelât*) خریداری می‌شود. معمولاً این مراسم دو سه ساعت طول می‌کشد. در پایان شیرینی‌هایی را که خانواده داماد آورده‌اند بین مهمانان تقسیم می‌شود و به هر یک از آنها بشقابی شیرینی داده می‌شود. مهمانان هم مقداری از آن را خورده و بقیه را در دستمال می‌پیچند و برای فامیل و نزدیکان خود که هنوز ازدواج نکرده‌اند با ادای کلمه نخشه لبه ( *aaaša lee* ) یعنی تو نیز به مراد دلت برسی، شیرینی را به آنان می‌دهند و آنها هم می‌دانند که شیرینی عروسی است.



بعد از صرف شیرینی، مهمانان دست در دست یکدیگر به رقص چوپپی می‌پردازند و نوازندگان و خوانندگان با آوازهای شاد آنان را سرگرم می‌کنند. در رقص چوپپی کردی، همه دست در دست همدیگر میرقصند و خواننده آنها را مورد خطاب قرار می‌دهد و از شجاعت پسران و زیبایی دختران تمجید می‌کند و مهمانان نیز هریک به فراخور حال خود به خواننده و نوازندگان شاباش ( *šâbâš* ) می‌دهند. مراسم رقص چوپپی معمولاً تا نزدیکیهای عصر ادامه می‌یابد و در پایان این مراسم والدین عروس و داماد روز مخصوص خانابندان را تعیین می‌کنند.

### مراسم خانابندان (خانابندا *xanâbandâ*)

چنانکه گفته شد، مادر عروس و داماد بعد از پایان مراسم انتخاب لباس، روز

حنابندان و عروسی را تعیین میکنند.

معمولاً زمان برگزاری مراسم شیرینی خوردن، کمتر از سه روز بعد از خواستگاری است اما گاهی اتفاق می‌افتد که زمان آن بیشتر از یک ماه طول می‌کشد؛ در این مدت طرفین فرصت می‌کنند اسباب و لوازم روز عروسی و حنابندان را تهیه کنند و دوستان و آشنایان و بستگانی را که در شهرها و مناطق دیگری دارند دعوت و پذیرایی کنند. خانواده عروس و داماد، براساس سیاههای که قبلاً تهیه کرده‌اند دوستان و خویشاوندان را به عروسی دعوت می‌کنند و به همان اندازه نیز خوراک و غذا تهیه و پخته میشود. خوراک‌های عروسی در مهاباد بیشتر عبارت است از: دو سه نوع خورشت، پلو، انواع میوه فصل، سبزی، نان لواش، ماست، دوغ، مربا و پنیر. در گذشته از سفره استفاده نمی‌شد بلکه بیشتر از مجموعه‌های بزرگ مسی استفاده می‌شد و پنج یا شش نان را به شکل صلیب روی مجموعه می‌گذاشتند و سپس سینی‌های (بلوت) پلو، مربا، پنیر، ماست و خورشت را روی آن می‌چیدند. در هر مجموعه دو تا سه نفر غذا می‌خوردند و یک کاسه بزرگ گلی پر از دوغ نیز کنار مجموعه‌ها قرار می‌دادند و مدعوین با قاشق چوبی اسکیو (askiow) دوغ را برمی‌داشتند. بعد از صرف غذا به مهمان‌ها چای پررنگ تعارف می‌کردند که تهیه آن به عهده افراد خیره بود.

اتاق‌هایی را که مهمان‌ها در آن جمع می‌شدند را تمیز کرده و گلاب‌پاشی می‌کردند و مدعوین هم با کفش روی فرش‌های زیبایی که در اتاق‌ها گسترده می‌شد، مینشستند. نوازندگان و خنیاگران هم با وسایل موسیقی، دف، سرنا و دهل (ویژه روستاها) و در شهر مهاباد نیز با تار، کمانچه و تودله مهمانان را سرگرم میکردند.

### حنابندان در منزل عروس (حنابندانا له ماله بوکه xenâbandâna le mâle buke)

چنانکه نوشته شد، مراسم حنابندان به طور جداگانه در منازل عروس و داماد برگزار می‌شود و هر یک جدا، دوستان و آشنایان خود را به این مراسم دعوت می‌کنند. در

شب حنابندان مردان به منزل عروس نمی‌روند و تمام کسانی که در آن شب مورد پذیرایی قرار می‌گیرند دختران و زنان جوان هستند. در این شب، دختران و زنان جوان و مدعوین با کمک و همراهی نوازندگان شروع به رقص چوبی می‌کنند و پس از خسته شدن، نزدیکیهای نیمه‌شب دست و پای خود را حنا می‌بندند.

برای این مراسم زنان و دختران دوفرد دوفرد کنار همدیگر می‌نشینند و دست و پای یکدیگر را حنا می‌زنند و پای خود را روی پارچه کهنه‌ای قرار می‌دهند تا خشک شود، گاهی زنان مسن سر خود را نیز حنا می‌زنند.

نزدیکیهای صبح مراسم حنابندان خاتمه می‌یابد و بعضی به منزل خود می‌روند و گروهی نیز با خانواده عروس به حمام و گرمابهای که قبلاً برای آنان قرق شده می‌روند.

### حمام قرق کردن (کرک حمام korok hamâm)

از طرف خانواده داماد، حمامی را برای چندین ساعت قرق می‌کنند تا مدعوین منزل و خانه عروس، پس از اتمام مراسم حنابندان همراه عروس به آنجا بروند و سر و دست و پای حنا بسته خود را در آنجا بشویند. معمولاً همه زنان و دخترانی که شب را در خانه عروس گذرانیده‌اند و به گرمابه رفته‌اند صبحانه را نیز در آنجا صرف می‌کنند و نزدیکیهای ظهر به منازل خود برمی‌گردند و پس از تعویض لباس، بار دیگر به منزل عروس برمی‌گردند تا مراسم عروسی را ادامه دهند.

ضمناً تمام هزینه‌ها و خرج و مخارج قرق حمام، حنابندان، صبحانه و خوراکی‌های روز عروسی به عهده خانواده داماد است و معمولاً خانواده داماد برای مراسم حنابندان چندین کیسه حنا به منزل عروس می‌فرستند و صبحانه را نیز در خانه آماده کرده و به حمام قرق شده می‌فرستند تا همراهان عروس میل کنند.

### حنابندان در منزل داماد (خان‌بندان له ماله زاوا xanâbandân le mâle zâvâ)

همان شبی که مراسم حنابندان در خانه عروس برگزار می‌شود، جشنی هم در منزل داماد گرفته می‌شود. در مراسم خانواده داماد معمولاً پسران و دوستان داماد و زنان و



دختران وابسته به خانواده داماد شرکت دارند و از عصر تا پاسی از شب پایکوبی می‌کنند.

پس از صرف شام (به همان نحوی که در مراسم حنابندان منزل عروس ذکر شد) مجدداً رقص و پایکوبی انجام می‌شود و پسران جوان به چند دسته تقسیم می‌شوند و بساط بزم و شادی راه می‌اندازند و می‌کوشند آن شب، داماد را حتی برای لحظهای هم تنها نگذارند.

مراسم حنابندان اگر در تابستان انجام گیرد، به مهمان‌ها میوه فصل تعارف می‌شود و اگر در فصل پاییز باشد از آنها با انواع و اقسام میوه و آجیل به نام شب چره (شو چره šww čare) پذیرایی می‌شود. بعد از پایان مراسم و پراکنده شدن مهمان‌ها داماد و دوستان او با گروه خوانندگان و نوازندگان به استراحت می‌پردازند و خود را برای مراسم فردا شب که مراسم عروسی (شایی šayi) است آماده می‌کنند.

### مراسم عروسی در منزل عروس (شایی له ماله بوکه šayi le mâle buke)

پس از مراجعت عروس و دوستان او از حمام، مراسم نهارخوری در منزل عروس برپا می‌شود و نوازندگان و خوانندگان آنها را سرگرم می‌کنند. مدعوین خانه عروس که اکثراً زنان، دختران و بچه‌ها می‌باشند هر یک به فراخور حال خویش به عروس هدیه می‌دهند. (اگر عروسی در فصل تابستان باشد همه مراسم در حیاط برگزار می‌شود). چشم‌روشنیها و هدیه‌ها بیشتر عبارت است از سکه طلا، پارچه و لوازم خانگی که به جهیزیه عروس اضافه می‌شوند و اگر نواقصی در جهیزیه او باشد با این هدایا برطرف می‌شود.

ظهر هنگام پس از صرف نهار (که معمولاً پلو خورشت است) مشاطه‌گری عروس را به اتاق خلوتی می‌برد و یک نفر نیز جلو آن اتاق می‌ایستد. هنگامی که مدعوین مشغول رقص چویی می‌باشند آرایشگر عروس را آرایش می‌کند و با ذوق و سلیقه دوستان عروس، موهای او را می‌آراید و عطر افشانی می‌کند. برای اولین و آخرین بار صورت عروس را آرایش و قشنگ‌ترین لباس را بر تن او می‌کنند و پارچه قرمزی را به نام تارا (târâ) بر سرش می‌گذارند و سپس به اتاقی که مهمان‌ها در آن نشست‌هاند

می‌برند و روی صندلی می‌نشانند و دوستانش او را احاطه می‌کنند. بچه‌ها دور عروس جمع می‌شوند و با حالت تعجب‌آمیزی قیافه او را ورنانداز میکنند، در حقیقت عروس خانم برای بچه‌ها به منزله اسباب بازی جاندار و جالبی است که روی صندلی نشسته است.

عصر همان روز مهمان‌ها و خانواده عروس منتظر آمدن مدعوین خانواده داماد می‌شوند تا به دنبال عروس بیایند و او را به خانه داماد ببرند. پیرزنی که از اول کار تا خاتمه مراسم عروسی، دست‌اندرکار عروسی بوده به همراه عروس به خانه داماد می‌رود و کارهای مربوطه را تحت نظر می‌گیرد که اصطلاحاً به او بربوک (barbuk) یعنی ینگه می‌گویند که در اصل، او نماینده والدین عروس می‌باشد.

### عروسی در منزل داماد (شایی له ماله زاوا šayi le mâle zâvâ)

همان‌طور که قبلاً عنوان شد بعد از مراسم حنابندان همه مدعوین لباس نو می‌پوشند و پس از صرف چای و پایکوبی، گروهی از زنان جوان با گروه نوازندگان راهی منزل عروس می‌شوند تا با تشریفات ویژه‌ای او را منزل داماد بیاورند. اگر مسافت بین منزل عروس و داماد زیاد باشد گروهی از مهمان‌ها زودتر حرکت می‌کنند تا به خانواده عروس اطلاع دهند که آماده باشند و عروس را آماده کنند. جوانان با آهنگ دهل و سرنا اسب سواری می‌کنند و با شلیک تیرهای هوایی گرمی خاصی به مراسم می‌دهند. سوارکاران در کوچه و پس کوچه‌های منزل عروس توقف می‌کنند و چند نفر همراه داماد به خانه عروس می‌روند تا عروس را با خود بیاورند.

### شال بستن عروس (پیشتند بستندی بوکه pištend bestendi buke)

برادر داماد یا یکی از دوستان صمیمی او که به او برادرخوانده داماد (berâ zâvâ) نیز می‌گویند به اتاق عروس رفته و به او تبریک می‌گوید. هنگامی که عروس، برادر داماد یا برادرخوانده داماد را می‌بیند به او احترام می‌گذارد. برادر داماد ضمن عرض ادب جلو رفته و به عنوان رونما لیره یا سکهای به او می‌دهد. در این مراسم شال به کمر

عروس بسته می‌شود که آن را شال بستن عروس می‌خوانند. خدمه، دایه، نان‌پز و کسانی که طی این سه روز برای عروسی کار کرده‌اند دور او را می‌گیرند تا خلعت خود را دریافت کنند و او هم به هر کدام هدیه‌ای اغلب نقدی می‌دهد. گفتنی است که اگر برادر یا برادرخوانده داماد به آنها هدیه ندهد، آنان حق دارند که با خمیر ترشیده یا تخم‌مرغ گندیده سر و صورت او را کثیف کنند.

### رفتن عروس به خانه داماد (روشینی بوکه له ماله زاوا rowšiani buke le mâle (zâvâ)

اگر خانه داماد نزدیک باشد، دو زن در طرفین عروس بازوی او را می‌گیرند و چند دختر هم که هر کدام گلاب‌پاشی در دست دارند به همراه دختری که آینه بزرگی به دست گرفته جلوی عروس به طرف خانه داماد به راه می‌افتند، پشت سر آنان نیز نوازندگان و جوانان قرار می‌گیرند. دختران و زنان جوان نیز در دو ردیف می‌ایستند و همراه اقوام و خویشاوندان او را بدرقه می‌کنند؛ زنان و دختران یکی یکی جلوی در او را می‌بوسند و برایش دعا می‌کنند.

هنگامی که عروس به راه می‌افتد یکی از زنان گیس سفید کوزه آبی را جلو پایش می‌ریزد؛ این نشانه حیات‌بخشی آب برای خانواده نویناد عروس و داماد است. عروس و همراهان به سوی خانه حرکت می‌کنند ولی اگر خانه داماد دور باشد همه همراهان عروس سوار بر اسب می‌شوند و با آهنگ شاد نوازندگان به سوی خانه داماد به حرکت درمی‌آیند. زمانی که عروس و همراهانش به چند قدمی خانه داماد می‌رسند، والدین داماد به پیشواز و استقبال می‌آیند و داماد نیز از پشت بام یک سیب به همراه مقداری سکه بر سر عروس می‌ریزد.

### اعتصاب عروس (مانگرتن بوکه (mângereten buke)

وقتی که عروس جلو در منزل داماد می‌رسد دو زن که در طرفین او قرار دارند عروس را متوقف می‌کنند و می‌گویند که او اعتصاب کرده است. بلافاصله یکی از

نزدیکان داماد پیش آمده و به عنوان چشم‌روشنی و پایان دادن به اعتصاب عروس سکه طلا به عروس می‌دهند و عروس به راهش ادامه می‌دهد تا به اتاق ویژه‌ای که برایش آراسته‌اند برسد. چندین بار این عمل تکرار می‌شود و این هم بستگی به بزرگی و کوچکی حیاط منزل داماد دارد و هر دفعه نیز یکی از بستگان داماد سکه و هدیه‌ای به او می‌دهد. اگر اقوام داماد سکه و هدیه آماده‌ای نداشته باشند، گاو، گوسفند و اسبی به او پیشکش می‌کنند تا سرانجام به اتاق مورد نظر می‌رسد و روی کرسی، چهارپایه یا صندلی می‌نشیند. اقوام داماد فوراً پول خرد، اسکناس و شیرینی بر سر و رویش می‌ریزند و بچه‌ها نیز برای یافتن پول و شیرینی‌ها در زیر دست و پای مهمان‌ها تقلا می‌کنند تا بیشتر به دست آورند.

در حقیقت این هم نوعی بازی است که توسط بچه‌ها پیش عروس اجرا می‌شود. بچه‌ها با پول‌های به دست آورده نیز کفش، پیراهن، کپورتول (kevâpâtol) (نوعی لباس زمستانی فاستونی) و رانک و چوخه (râkk o čeee) نوعی لباس کردی نازک که از پشم بافته می‌شود و معمولاً در تابستان می‌پوشند) می‌خرند.

پس از این مراسم، عروس و داماد را در وسط حیاط روی صندلی یا چهارپایه‌ای می‌نشانند و مدعوین بویژه جوانان شروع به رقص و پایکوبی می‌کنند و نوازندگان و خوانندگان نیز ترانه‌های شاد سر می‌دهند و از جوانان شاباش می‌گیرند و زنان گیس سفید هر دو خانواده پیش پای عروس و داماد اسپند روی آتش می‌ریزند تا عروس و داماد از چشم بد و زخم زبان ناپاکان محفوظ بمانند.

هنگامی که می‌خواهند عروس را به اتاق مهمان‌های زن ببرند منقل بزرگ پر از آتشی را جلو می‌گیرند و عروس وارد اتاق مهمان‌های زن می‌شود و با آنان آشنا می‌شود. زنان و دختران وابسته به خانواده داماد لحظه‌ای او را ترک نمی‌کنند و صمیمانه ضمن معرفی مهمان‌های زن، شام را نیز در همانجا صرف می‌کنند و مردان نیز در حیاط مشغول صرف شام می‌شوند و در همان حال نیز خوانندگان و نوازندگان آوازهای شاد را سر می‌دهند.

پس از صرف شام کسانی که از طرف خانواده عروس به این مراسم آمده‌اند یکی یکی با عروس و داماد خداحافظی می‌کنند و زندگی سعادت‌مندی را برای آنان آرزو

می‌کنند و سپس متفرق می‌شوند ولی زنان و دختران و جوانان وابسته به خانواده داماد همچنان به رقص و پایکوبی ادامه می‌دهند.

### مراسم سه روزانه (سه روژانه se ružâne)

سه روز پس از ورود عروس به خانه داماد مراسم سه روزانه برگزار می‌شود. در این مراسم سه روزه، فرصتی است که مادر عروس جهاز عروس را آماده کند و اگر احیاناً نواقصی داشته باشد برطرف می‌سازد. وسایل را روی مجمعه بزرگی قرار می‌دهند و روپوشی روی آن می‌کشند و به منزل داماد می‌برند، این مجمعه بزرگ را خو آنچه (nnânčn) می‌گویند.

معمولاً این خوآنچه‌ها را زنان روی سر قرار می‌دهند و با گروهی از اقوام و نزدیکان هر دو خانواده آن‌ها را به خانه عروس و داماد می‌برند. در خانه عروس و داماد بساط رقص و پایکوبی به راه می‌افتد. آورندگان خو آنچه ها هم، آنها را در اتلق خلوتی می‌گذارند.

بعد از صرف نهار، خوآنچه‌ها را به اتلق عمومی زنانه می‌آورند و در وسط اتاق قرار می‌دهند و سپس مسن‌ترین زن حاضر در جلسه، جلو می‌آید و روپوش‌ها را از روی خوآنچه‌ها برمی‌دارد و یکایک اجناس را به حاضرین نشان می‌دهد. مراسم سه روزانه اوایل عصر به پایان می‌رسد و از فردای آن روز عروس رسماً امور خانه‌داری را به عهده می‌گیرد.

بعضی اوقات مادر داماد همه کارها و مسئولیت‌های سخت و سنگین و شاق خانه را بر دوش عروس می‌اندازد و اغلب با عروس چون غلام و کنیز رفتار می‌کند و گاه مادر داماد با عروس مانند دخترش رفتار می‌کند.

### دعوت عروس و داماد به منزل والدین عروس (بانگ هشتنی بوک زاوا bâng (heštēni buk zâvâ)

بعد از مراسم سه روزانه، عروس به کار خانه داری در منزل جدید می‌پردازد. یک ماه

پس از عروسی، والدین عروس و وابستگانش عروس و داماد را برای صرف شام دعوت می‌کنند. ( در این مراسم تنها بستگان عروس شرکت دارند و خبری هم از رقص و چوپیی و خواننده و نوازنده نیست) بعد از صرف شام، هر یک به تناسب سن و سال با همدیگر مشغول صحبت می‌شوند و این مراسم تا پاسی از شب ادامه می‌یابد و سپس عروس و داماد به منزل خود برمی‌گردند. پس از این دعوت خصوصی رفت و آمد بین خانواده‌های طرفین عادی می‌شود.

### یادداشت مترجم

آداب و رسوم ذکر شده در مقاله مربوط به سال‌های ۲۰-۱۳۱۰ منطقه مهاباد می‌باشد و امروزه بیشتر این مراسم دیگر به شکل سابق برگزار نمی‌شود. انتخاب عروس دیگر به شیوه گذشته نیست و اغلب جوان‌ها خودشان در محل تحصیل، کار و غیره همسرانشان را انتخاب می‌کنند. مراسم خواستگاری، عقدکنان، نامزدی، انتخاب لباس، شیرینی خوردن و مراسم حنابندان جلوه گذشته را ندارد و کمرنگ شده و حمام فرق کردن دیگر به کلی فراموش شده است. مراسم عروسی هم اغلب در تالارهای مختلف شهر انجام می‌شود. به‌طور کلی مراسم عروسی در مهاباد از کوران تغییر در امان نمانده و امروزه این مراسم تقریباً مانند سایر مناطق کشور انجام می‌شود.